



مأموریت ویژه سفیر انرژی آمریکا رانندگی بدون سوخت کافی!

را پذیرفته و اخیراً هم در شروع پروژه قصد دارد کمک‌های مالی را ارائه دهد.

۲- سیاست اجرایی مؤسسه‌سین طرح تاکنون چند بار دستخوش تغییر شده است. مثلاً عدم اجازه ورود به کنسرسیوم به تامین کنندگان گاز که بعداً تغییر کرد.

۳- چند بار تعویق تاریخ FID، که در اجرای پروژه یک نقطه عطف است. این خود نشان عدم توفیق دست اندرکاران در نهایی کردن پیش‌نیازهای تصمیم‌گیری از جمله در مورد قراردادهای تأمین گاز است.

۴- نقش روسیه در تسریع و تسهیل گاز رسانی به اروپا از طریق پروژه‌هایی مانند ساوت استریم که از دریای سیاه عبور کرده و مستقیماً به بلغارستان می‌رسد جالب است، همچنانکه سد کردن طرح‌های گاز رسانی از طریق دریای خزر به روش‌های گوناگون (جنگ و نامنی در گرجستان و خرید هر مقدار گازی که در ترکمنستان امکان تولید دارد).
۵- گروکشی ترکیه از پروژه‌های عبوری از خاک آنها به اروپا یکی از تهدیدهای این پروژه است. به عنوان مثال وزیر انرژی (پیشین) ترکیه آقای حلمی گولر، اخیراً ضمن اعلام ضرب‌الاجلی به کنسرسیوم ناپوکو، خواستار تخصیص ۱۵ درصد گاز عبوری از خط لوله به بازار ترکیه شده است. این موضوعی است که ترک‌ها مدت‌هاست در مذاکرات مستقل با ایران هم عنوان می‌کنند. ضمناً نخست‌وزیر ترکیه در بهمن ۱۳۸۷ اتحادیه اروپا را به خروج از طرح ناپوکو در صورت عدم پذیرش عضویت این کشور در اتحادیه اروپا تهدید کرد.

۶- از نقطه نظر اقتصادی و فنی، اجرای طرح‌هایی از این قبیل بدون حصول اطمینان از تأمین گاز، کاری بسیار پر مخاطره و غیر اقتصادی است و عملاً ممکن نیست. حتی در صورتی که تمام ظرفیت خط لوله تکمیل شده باشد، اقتصاد پروژه‌های رقیب مانند ال ان جی و دیگر خطوط لوله می‌تواند اجرای آن را تحت الشعاع قرار دهد.

چرا ناپوکو بدون ایران ممکن نیست؟

دلایلی وجود دارد که نشان می‌دهد این طرح بدون حضور ایران در آن قابل اجرا نیست. این دلایل عبارتند از:
۱- عدم وجود منابع تأمین گاز کافی حتی اگر ایران

جزیی از طرح باشد.

با نگاهی به جمع‌تأمین کنندگان بالقوه می‌توان دریافت که منابع زیادی برای تأمین گاز این پروژه وجود ندارد. مصر در حال اجرای یک طرح به ظرفیت ۲ میلیارد

انرژی به صورت گاز طبیعی و نفت خام از روسیه، نیاز به متنوع‌سازی مبادی تأمین انرژی اروپا را دو چندان کرد. از این رو طرح‌هایی مانند افزایش خرید گاز از شمال آفریقا، خط لوله ناپوکو و ال ان جی قطر مطرح و مذاکرات در مورد این راه‌های جایگزین ادامه یافت. از طرف دیگر روسیه با احداث خطوط لوله جدید، بررسی ایجاد کارخانه‌های ال ان جی و سرمایه‌گذاری در آنها، قصد دارد نفوذ خود را در اروپا گسترش دهد.

به عنوان مثال روسیه با طرح خط لوله جریان جنوبی (south stream) و یا طرح ال ان جی پروژه "آشتوک من"، قصد دارد اعتماد اروپا را برای فروش بیش از پیش گاز خود جلب کند. موضع آمریکا در این بین کمک به متحدین راهبردی در اروپا و حمایت از طرح‌های تأمین گاز از کشورهای به جز روسیه است و طبق اخبار واصله واشنگتن حتی مذاکره با برخی کشورهای دارای منابع گاز را آغاز کرده و به ایجاد خطوط لوله غیر وابسته به روسیه و ایجاد خطوط لوله ای مانند خط لوله نفت باکو - تفلیس - جیحان (BTC) تمایل دارد. نکته جالب برخورد دوگانه غربی‌ها با مساله ایران است. رفتار این کشورها مصداق "با دست پس زدن و با پا پیش کشیدن" است.

نماینده آمریکا، آقای ریچارد مورنینگ استار، در این اجلاس از یک سو به خطرناک بودن ورود گاز ایران به اروپا اشاره می‌کند و از طرف دیگر تمایل آمریکا برای تأمین گاز پروژه ناپوکو توسط ایران را مطرح و امیدوار است علایم مثبتی از سوی ایران دریافت کند. در نهایت اجلاس با صدور بیانیه‌ای با اشاره و تأکید بر توسعه زیرساخت‌های بین‌المللی گاز، خطوط لوله، ترمینال‌های ال ان جی و ذخایر استراتژیک به کار خود پایان داد که لازم است مورد توجه جدی کشورمان قرار گیرد.

واقعیت‌های خط لوله ناپوکو

با وجود تمام افت و خیزها و خبرهای گوناگونی که از پیشرفت این طرح می‌رسد، ذکر نکاتی ضروری است؛ زیرا توجه به واقعیاتی که تاکنون رخ داده است می‌تواند تصمیم‌گیری مدیرانه ایران را در پی داشته باشد. این نکات عبارتند از:

۱- اجرای این طرح برای هر یک از کشورهای اروپایی و نیز کل اتحادیه اروپا حیاتی است، زیرا این کشورها در تأمین نیازهای انرژی خود با مشکل روبرو هستند. به همین دلیل اتحادیه اروپا تأمین مالی نیمی از هزینه‌های مطالعاتی

ریچارد ال. مورنینگ استار فرستاده ویژه هیلاری کلینتون وزیر امور خارجه آمریکا در امور انرژی در اروپا- آسیا مأموریت دارد تا از بیوستن ایران به کنسرسیوم خط لوله صلح جلوگیری کند در حکم او پشتیبانی از هدفهای ایالات متحده در ارتباط با انرژی در اروپا- آسیا و کار بر روی مسائل اصلی انرژی در رابطه با اروپا، روسیه، اوکراین، ترکیه، آسیای مرزی و قفقاز قید شده است تا بلکه بر اساس نظرات مشورتی راهبردی اش در مسائل مربوط به سیاست گذاری در زمینه‌های آبادانی، عبور خط لوله‌های نفت و گاز، توزیع منابع انرژی در اروپا- آسیا دولت آمریکا بتواند تصمیم‌گیری کند.

مخالفت مورنینگ استار در شرایطی عنوان می‌شود که یک ماه پیشتر او در نشست "گاز طبیعی برای اروپا؛ امنیت و همیاری" که در صوفیه بلغارستان برگزار شد، پیشنهادی مطرح شده برای عضویت ایران در این پروژه را نقطه عطفی در مشی سیاست خارجی واشنگتن در قبال ایران دانسته بود. سفیر انرژی آمریکا در منطقه می‌گوید: سهیم شدن ایران در خط لوله گاز ناپوکو زمانی امکان‌پذیر خواهد بود که روابط دیپلماتیک ایران و آمریکا عادی شود. او تصریح کرد: ما نمی‌خواهیم سیاست خود را تغییر دهیم مگر آن که ایران سیاست خود را تغییر دهد. نصرت‌اله سیفی رییس سابق شرکت ملی صادرات نفت ایران در تحلیلی به این پرسش پاسخ می‌دهد که چرا نوباکو بدون ایران محال است؟

وقتی از پروژه‌های تأمین گاز اروپا سخن به میان می‌آید، بحث در باره خط لوله ناپوکو اجتناب‌ناپذیر است و صحبت کردن از ناپوکو بدون ایران، معادل است با قصد رانندگی با اتومبیل بدون داشتن سوخت کافی! اما قبل از پرداختن به طرح ناپوکو و نقش جمهوری اسلامی ایران در آن لازم است مروری داشته باشیم بر مواضع کشورهای اروپایی، آمریکا و روسیه در کنفرانس اخیر. در سال ۲۰۰۶ میلادی رئیس جمهوری وقت روسیه، اعلام کرد که کشورش سندی استراتژیک تحت عنوان تأمین انرژی با رویکردی بین‌المللی تهیه و قصد دارد به عنوان یک تأمین کننده اصلی انرژی ایفای نقش کند. جالب این که کمتر از یک هفته پس از آن مناقشات گازی روسیه با اوکراین به اوج رسید و در زمستان همان سال منجر به قطع صدور گاز به اوکراین شد.

از آن تاریخ مناسبات انرژی اروپا با روسیه وارد دوره جدیدی شده است. وابستگی بیش از حد اروپا به واردات

فروش پتروپارس سر زارفت!

عضو هیئت مدیره و معاون امور بین الملل پتروپارس، تأکید کرد: اگر چه با خصوصی سازی به عنوان یک حرکت مثبت در جهت افزایش بهره‌وری شرکت‌ها موافقیم اما "واگذاری کامل" شرکت پتروپارس مادر ضربه جبران ناپذیری به آن وارد خواهد کرد. نعمت‌الله علیرضایی تصریح کرد: در حال حاضر مهم‌ترین علت اعطای وام توسط بانک‌های جهان به این شرکت گرو گذاشتن معیانات گازی توسط شرکت نیکو نزد آنهاست، این گروگذاری بدون حمایت وزارت نفت به عنوان مالک نیکو امکان‌پذیر نیست. او معتقد است: عدم فروپاشی پتروپارس در صورت واگذاری به بخش خصوصی مستلزم ادامه حمایت‌های وزارت نفت از این شرکت است. علیرضایی می‌گوید: اجرای پروژه‌ها در این شرکت به این صورت است که ابتدا تأمین مالی می‌شوند و سود و درآمد آنها بعد از گذشت زمانی طولانی مشخص می‌شود، در کل تأمین مالی این پروژه‌ها بسیار وسیع و کلان است. او می‌افزاید: به عنوان مثال فاز ۱۲ پارس جنوبی بیش از ۶ میلیارد دلار تأمین مالی نیاز دارد و در پایان کار است که میزان دقیق آن مشخص می‌شود. وی همچنین عنوان می‌کند: پتروپارس توان سرمایه‌گذاری ۶ میلیارد دلاری با خواب سرمایه هفت ساله را ندارد و این نیازمند یک پشتوانه مالی قوی است که اعتبار خاصی در جامعه جهانی داشته باشد. عضو هیئت مدیره پتروپارس تأکید کرد: اگر پتروپارس از بدنه نیکو جدا شود دیگر از لحاظ قانونی وزارت نفت نمی‌تواند پتروپارس را حمایت کند. اما بالاخره در اردیبهشت ماه ۱۳۸۸ معاون امور آماده‌سازی سهام و شرکت‌های دولتی سازمان خصوصی سازی از واگذاری ۶۰ درصد از سهام شرکت پتروپارس خبر داد که از این میزان ۵ درصد مربوط به کارکنان، ۵ درصد مربوط به مدیران با تجربه و ۵۰ درصد از سهام نیز مربوط به عرضه عمومی است. اسماعیل غلامی در مورد ماهیت خریداران اعلام داشت: این میزان سهام سه خریدار داشته که یک خریدار به عنوان خریدار اصلی و دو خریدار دیگر به عنوان شرکای خریدار اصلی معرفی شده‌اند. غلامی گفت: مشخص نیست سه خریدار یاد شده در قالب کنسرسیوم فعالیت کنند یا خیر و این موضوع در روزهای آینده مشخص می‌شود. با این حال در خبرها شنیده شد پتروپارس به یک کنسرسیوم متشکل از آستان قدس رضوی، قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیا و شرکت کیسون که یک شرکت ایرانی-انگلیسی است که عمدتاً در پروژه‌های نیروگاهی کشور فعالیت داشته، واگذار شده است. البته رئیس ستاد اصل ۴۴ قانون اساسی در مورد اعلام اسامی خریداران تأکید کرده بود: تا زمانی که شرکت یا شرکت‌های خریدار سهام پتروپارس، ۲۰ درصد از مبلغ سهام یارد شده را پرداخت نکنند، از اعلام رسمی اسامی آنها معذوریم.

فروش پتروپارس سر زارفت! این را سیف‌الله جشن‌ساز مدیر عامل شرکت ملی نفت ایران با اعلام واریز نشدن پول از سوی خریداران پتروپارس تأیید کرد و معامله فروش پتروپارس باطل شد. البته او می‌گوید: فروش شرکت توسعه پتروپارس هم هنوز معلق است.

ساعت ۱۰ صبح روز دوشنبه هفتم اردیبهشت ماه سال ۱۳۸۸، ۹ پکت مزایده برای واگذاری شرکت پتروپارس بر روی میز رئیس سازمان خصوصی سازی کشور قرار گرفت. پکت‌ها بازگشایی و در حضور نمایندگان کنسرسیوم و ستاد اصل ۴۴ و مسئولانی از وزارت نفت تعیین تکلیف شد. پتروپارس به قیمت پایه فروش ۱۵۲ میلیارد تومان به صورت مزایده عرضه و سه خریدار در نهایت به قیمت ۲۱۲ میلیارد تومان برنده این مزایده شدند. دو روز بعد، رئیس ستاد اصل ۴۴ قانون اساسی شرکت ملی نفت ایران گفت: تا زمانی که شرکت یا شرکت‌های خریدار سهام پتروپارس ۲۰ درصد از مبلغ سهام یاد شده را پرداخت نکنند، از اعلام رسمی اسامی آنها معذوریم و تأکید کرد که این کنسرسیوم ۲۰ روز کاری مهلت دارد به واریز مبلغ مذکور اقدام کند تا معامله به صورت قطعی انجام شود. اما پس از کش و قوس‌های فراوان در مورد واگذاری شرکت پتروپارس شاید کمتر کسی فکر می‌کرد که ۴۹ روز بعد از مزایده، در ۲۵ خرداد ماه، مدیر عامل شرکت ملی نفت ایران از باطل شدن مزایده پتروپارس برای واگذاری به بخش خصوصی خبر بدهد و بگوید: مزایده پیشین شرکت پتروپارس یک برنده داشت که آن برنده نتوانست در تاریخ معین وجوه لازم را واریز کند؛ از این رو این مزایده باطل است. هر چند جشن‌ساز واگذاری پتروپارس را امری دور از واقعیت نمی‌داند و می‌گوید: سازمان خصوصی سازی به کمک وزارت نفت در حال سازماندهی مزایده جدیدی برای واگذاری شرکت پتروپارس به بخش خصوصی است که در دو تا سه هفته آینده در مطبوعات منتشر خواهد شد. اما از آنجا که سرنوشتی مشابه پتروپارس چندی پیش در مورد واگذاری شرکت پتروپارس هم اتفاق افتاد و موجب شد این شرکت که به قیمت ۱۱۰ میلیارد تومان در مزایده‌ای به شرکت "انرژی دانا" واگذار شده بود. در آذر ماه سال گذشته واگذاری این شرکت به دستور رئیس جمهور به دلیل مبهم متوقف شود، آیا می‌توان به اجرایی شدن اصل ۴۴ در وزارت نفت که به موجب آن قرار است تا سال ۱۳۹۲ این وزارتخانه شرکت‌های بزرگ و کوچک خود را واگذار کند، امید داشت؟

یکی از مسائلی که در مورد واگذاری پتروپارس محل اختلاف نظر است، میزان درصد واگذاری سهام به بخش خصوصی است. در حالی که دوم مهر ماه سال گذشته غلامحسین منوچهری (مدیرعامل شرکت پتروپارس) از واگذاری ۱۰۰ درصد سهام این شرکت تا پایان سال خبر داده بود اما در آبان ماه همان سال

متر مکعب در سال از طریق صحرای سینا، اردن و سوریه برای اتصال به شبکه ترکیه است. در صورتی که هدف مصر گاز رسانی به اسرائیل نباشد و عربستان هم گاز خود را به خط لوله موسوم به عربی تحویل دهد، شاید این میزان گاز جواب گوی نیازهای روز افزون سوریه و اردن و حداکثر ترکیه باشد. عراق با بحران کمبود برق رو به رو است. هر میزان گاز در شمال عراق کشف و تولید شود تا سال‌ها باید به مصرف نیروگاه‌های برق این کشور برسد تا حداقل شمال این کشور را از انرژی بهره مند کند. در همین حال نابسامانی‌های امنیتی در برابر این منبع احتمالی یک علامت سؤال بزرگ است. جمهوری آذربایجان دارای یک میدان گازی در دریای خزر به نام شاه دنیز است، که اتفاقاً ایران هم در آن دارای سهم است. هم اکنون جمهوری آذربایجان از طریق چند خط لوله به ترکیه نفت و گاز صادر می‌کند و تأمین گاز اضافی به سرمایه‌گذاری هنگفتی در بخش بالادستی نیاز خواهد داشت. هر چند جمهوری آذربایجان اخیراً اعلام کرده است می‌تواند سهم خود در تأمین گاز نابوکو را تا دو برابر افزایش دهد اما اجرا شدن چنین ادعایی با تردید رو به رو است.

روسیه با توجه به ارابه طرح ساوت استریم عملاً مخالف اجرای خط لوله ناپوکو است. اما اگر قرار باشد به این پروژه کمک کند (مثلاً تأمین گاز خط نابوکو از طریق خط بلو استریم که هم اکنون گاز روسیه را به ترکیه انتقال می‌دهد)، از خط لوله نابوکو یک ساوت استریم دیگر خواهد ساخت که چون درست در جهت عکس اهداف اولیه طرح است با مخالفت اتحادیه اروپا روبرو خواهد شد. تأمین گاز از ترکمنستان و قزاقستان نیز با چالش‌های اساسی رو به رو است. آمریکا و اروپا به اجرای طرح خط لوله ترانس کاسپین دل خوش کرده بودند. این طرحی است که شرق و غرب دریای خزر را به هم متصل می‌کند و به این ترتیب حجم زیادی گاز از خاک ترکمنستان مستقیماً به باکو و از آنجا به ترکیه منتقل می‌شود. این طرح مانند طرح خط لوله نفتی باکو - قلیس - جیحان به شدت مورد حمایت آمریکا بود اما تا کنون به سه دلیل عملی نشده است: اول این که روسیه و چین با قراردادهای سنگین، گاز ترکمنستان را پیش خرید کردند و اصولاً احتمال این که گاز بیشتری در ترکمنستان موجود باشد، با تردید رو به رو است. دوم این که ایران و روسیه با اجرای خط لوله در دریای خزر مخالفند زیرا رژیم حقوقی آن نهایی نشده است. سوم و مهم تر این که ادامه مسیر ترانس کاسپین یعنی از باکو تا ترکیه نامن شده است. جنگ گرجستان با روسیه امید عبور از این مسیر را کم رنگ و پر مخاطره کرده است.

۲- حذف سهمیه فرضی تأمین گاز از ایران یعنی جایگزین کردن ۱۰ میلیارد متر مکعب در سال. با توجه به موارد فوق که تأمین گاز جایگزین از ترکمنستان هم با تردید رو به رو است، سؤال این است که کدام منبع قابل اتکا برای تأمین گاز خط لوله نابوکو وجود دارد؟

۳- اگر ایران به عنوان یک تأمین کننده از معادلات هر خط لوله تأمین گاز اروپا (مانند نابوکو) به طور کامل حذف شود، احتمال ترانزیت ارزان و مطمئن گاز از خاک ایران هم از بین می‌رود. از آن جمله است صادرات گاز قطر از طریق خاک ایران به اروپا و نیز ترانزیت گاز ترکمنستان از طریق استان‌های شمالی ایران. به این ترتیب علاوه بر امکان صدور گاز از ایران، امکان ترانزیت گاز از ایران نیز از بین می‌رود.